موضوع: نقد مسیر پیامبری، نقد و بررسی اشکالات

چگونگی محفوظ ماندن کامل قرآن

موضوع بحث بررسی محفوظ ماندن قرآن کریم به صورت کامل در زمان پیامبر اکرم (ص) و بعد از ایشان بود. اشکالی که مطرح شده بود این بود که در زمان پیامبر (ص) اولا تعداد افراد با سواد کم بودند، ثانیا: ادوات و ابزار نوشتن هم ابتدایی بوده است و ثالثا: یک خط و رسم واحدی هم وجود نداشته است. رابعا: نقطه گذاری و اعراب گذاری هم در آن موقع رسم نبوده است. به همین خاطر اختلافاتی در قرآن کریم رخ داده است و همین امر سبب شد در زمان عثمان برای رفع این اختلافات اقدام شود. با توجه به این موارد دیگر نمی توان اطمینان به حفظ کامل قرآن به صورت کامل داشت. این شبهه از سوی نویسنده کتاب «مسیر پیامبری» مطرح شده است. ریشه شبهه به آن جا بر می گردد که وی گفته بود: نظریه رایج درباره گزینش الهی پیامبر، لوازم باطلی دارد که از جمله آنها وجوب محفوظ ماندن وحی الهی است تا به دست آیندگان برسد، اما چون این حفاظت واقع نشده است، پس ملزوم آن هم که نظریه گزینش الهی است رد می شود.

در پاسخ به این شبهه چند نکته گفته شد و برخی نکات نیز در اینجا بیان می شود:

1. این گونه نبوده که در زمان پیامبر اکرم (ص) افراد با سواد به اندازه کافی نبوده باشد، علاوه بر اینکه کتابت قرآن بر اساس نظارت معصومانه پیامبر (ص) صورت می گرفته است. این نظارت معصومانه آن خللی که ممکن است با تعداد نویسنده و یا شرایط دیگر به دست آید جبران می کند. این را باید در نظر داشت که مساله عصمت اطمینان بالاتری حتی از تواتر ایجاد می کند.

2. نکته دیگر اینکه در زمان پیامبر اکرم (ص) تنها مساله نوشتن قرآن مطرح نبوده است، بلکه حفظ قرآن نیز مورد توجه و اهتمام است و این امر اطمینان بالایی به مصون ماندن قرآن ایجاد می کند.

3. دلیل دیگر محفوظ ماندن قرآن کریم، مساله کتابت معصومانه امیرالمومنین (ع) است که خود گویای حفظ کامل قرآن کریم در دوران پیامبر اکرم (ص) دارد.

4. در مورد وضعیت قرآن کریم بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) چند دیدگاه مطرح است: دیدگاه مشهور آن است که در زمان پیامبر (ص) کلیت قرآن شکل گرفته و موجود بوده است، اما به صورت نظم کنونی سوره ها و در یک کتاب واحد نبوده است. دیدگاه دوم آن است که قرآن کریم در زمان خود پیامبر (ص) به همین صورت کنونی تدوین شده است. سید مرتضی و سید طبرسی و امام شرف الدین این دیدگاه را برگزیده اند. البته رجوع به کلمات آنها ممکن است بیان این مطلب باشد که اینان معتقد هستند که در قرآن کم و زیاد و تحریف صورت نگرفته است، زیرا آنان در مقام دفع شبهه تحریف بوده اند، و لذا کلام آنان با تدوین نظم سوره ها در زمان بعد از رحلت پیامبر (ص) منافاتی ندارد.

کلام آیت الله خویی

آیت الله خویی در مورد شبهه تحریف قرآن کریم و تدوین آن گفته اند: یکی از ادله قائلین به تحریف قرآن این است که قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص) جمع نشده و بعد از ایشان توسط غیر معصومین جمع شده است، و از آنجا که احتمال خلاف در کار غیر معصوم وجود دارد نمی توان به محافظت کامل قرآن اطمینان داشت. آیت الله خویی در نقد این سخن چند نکته را بیان کرده اند:

1. نکته اول اینکه روایاتی که مساله تدوین قرآن بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) را بیان می کند، دارای تناقض و ناسازگاری با هم است و لذا قابل احتجاج نیست.

2. این احادیث با حدیث ثقلین ناسازگار است، زیرا در حدیث ثقلین عنوان «کتاب الله» آمده است که بیان می کند قرآن به صورت مکتوب و جمع شده در یک مصحف وجود داشته است. حدیث ثقلین از جهت سند کاملا معتبر است اما احادیث جمع قرآن، آحاد است و سندهای قطعی ندارد.

در بررسی این سخن گفته شد درست است که مراد از کتاب الله وحی مکتوب است، اما دلیلی بر مصحف واحد بودن آن نداریم. حدیث ثقلین بیان می کند که کتاب الله بدون نقیصه و تحریف در اختیار شما است.

مرحوم علامه در بحث بررسی کتاب انبیاء که در قرآن بیان شده مباحثی را بیان کرده و گفته اند: مراد از کتاب در این موارد، کتاب تشریع یعنی معارف و دستورات الهی است. این کتاب اعم از کتاب مکتوب و غیر آن است و حتی آنچه در ذهن هم هست را شامل می شود.

3. روایات تدوین قرآن با اجماع هم مخالف است چرا که آیات قرآن کریم به تواتر به ما رسیده است، در حالی که روایات جمع می گوید گاه با شهادت دو نفر آیه ای ثبت می شده است.

در بررسی این سخن گفته شد این سخن را می پذیریم، اما نتیجه آن مخدوش شدن جزئیات روایات جمع است نه اصل قضیه جمع قرآن.

4. این روایات با حکم عقل نیز در تعارض است، توضیح اینکه:

حکم عقلی چند گونه است: گاه عقل به صورت قطعی یک حکم می کند در اینجا آن حکم دیگر جایگزینی ندارد مانند مساله وجوب نبوت که عقل بیان می کند با توجه به وضعیت موجودی که انسان ها در آن قرار دارند تنها راه هدایت همین راه ارسال پیامبر بوده است. گزینه دیگر این است که همه انسان ها مستقیما با خداوند ارتباط داشته باشند که امری نادرست است. بنابراین عقل به وجوب نبوت صد درصد حکم می کند، زیرا راه دیگری وجود ندارد و اگر انسان ها از این راه هدایت نشوند بر خلاف عدالت و حکمت الهی است

گونه دیگر حکم عقلی آن است که چند احتمال در مورد ای مطرح شود. در اینجا دیگر نمی توان حکم پیشینی کرد، بلکه باید پسینی حکم شود. مثلا از اینکه پیامبر (ص) معصوم است و کاری را انجام داده است می فهمیم که کدام وجه درست بوده است. در بحث ما نیز این احتمال که پیامبر (ص) برای قرآن، نظم کنونی را قرار نداده است وجود دارد و چند وجه حکمی نیز می تواند داشته باشد. بنابراین می گوییم عمل پیامبر (ص) از آنجا که معصومانه است، مورد قبول و پذیرش است، هر چند ممکن است ما وجه آن را نفهمیم.

5. اگر جمع قرآن توسط صحابه بعد از پیامبر (ص) طبق این روایت انجام شده باشد همان طور که احتمال نقیصه وجود دارد احتمال زیاده هم هست، زیرا ملاک آن که گفته شده اینها معصوم نبودند، عام است، اما این مطلب بر خلاف اجماع است.

در پاسخ گفته شده قرآن معجزه است و مثل و مانندی ندارد و لذا اگر کسی مثل آن را بیاورد معلوم می شود. مرحوم آیت الله خویی می فرماید: آنچه در تحدی قرآن بیان شده آوردن یک سوره مثل قرآن است اما دیگر آوردن آیه ای مثل قرآن یا کلمه مانند آن را نفی نشده است.

اشکال و جواب

ممکن است گفته شود اگر ترتیب قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص) انجام شده باشد در این صورت اقدام امیرالمومنین (ع) چه معنایی دارد؟ آیت الله خویی در جواب می فرماید: آنچه امیرالمومنین (ع) در تدوین قرآن انجام دادند، اولا: چینش آن بر اساس ترتیب نزولی و ثانیا: بیان تفسیر و تاویل قرآن بوده است، بنابراین قرآن ایشان از جهت محتوا با قرآن کنونی تعارضی نداشته است و تفاوت آن یکی در ترتیب سوره ها و دیگری وجود تفسیر و تاویل بوده است.

سوال دیگر اینکه ممکن است گفته شود چرا امیرالمومنین (ع) به دستور پیامبر (ص) قرآن را به صورت ترتیب نزولی جمع کرده اند. آیا این کار با ترتیب کنونی قرآن منافات ندارد؟ پاسخ این است که ممکن است این کار به اذن پیامبر (ص) بوده باشد یعنی دو قرآن در میان مسلمین باشد یکی بر اساس ترتیب نزولی و دیگری ترتیب کنی و این محذوری ندارد.

ادامه بحث انشاء الله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد